



جغرافیا و روابط انسانی، زمستان ۱۴۰۲، دوره ۶، شماره ۳، صص ۵۶۵-۵۴۵

توسعه کارآفرینی زنان روستایی؛ چشم اندازها و چالشها

فاطمه پناهی

استادیار مرکز تحقیقات فن آوری تولید محصولات سالم و ارگانیک، واحد دزفول، دانشگاه آزاد اسلامی، دزفول،

ایران fpanahi55@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۲۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۲۴

چکیده

در عصر حاضر توجه بسیاری از کشورهای جهان به مقوله کارآفرینی و توسعه آن موجب شکل‌گیری موجی از سیاستهای توسعه کارآفرینی در دنیا شده است. کشورهای دنیا برای غلبه بر مشکلات اقتصادی و اجتماعی خود راه‌حلهای متفاوتی را در نظر گرفته‌اند. به دلیل نقش و جایگاه مهم روستاها در فرآیند توسعه همه‌جانبه و پیامدهای ناگوار بی‌توجهی به آن مانند شکاف عمیق بین زندگی شهری و روستایی، رشد جمعیت، فقر گسترده و افزایش مهاجرت بی‌رویه روستائیان به شهرها باعث شده توسعه روستایی بر توسعه شهری اولویت داشته باشد. در این بین، توانمندسازی زنان روستایی از طریق فعالیتهای کارآفرینانه، به عنوان یکی از گروههای تاثیرگذار در فرآیند توسعه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. کارآفرینی به عنوان یکی از کم هزینه‌ترین ابزارها، بهترین نتیجه و بیشترین کارایی جهت توسعه جامعه را به همراه دارد، از این رو فراهم کردن بستر اجتماعی لازم برای توسعه آن از اهمیت خاصی برخوردار است. اما علی‌رغم این موضوع، ورود زنان به عرصه کارآفرینی همواره با موانع و محدودیتهای زیادی روبه‌رو بوده است و عوامل گوناگونی مانع از بروز و رشد استعدادهای بالقوه زنان در عرصه کارآفرینی شده است. پرسشی که در این زمینه مطرح می‌شود این است که چگونه می‌شود در زنان تمایل به کارآفرینی را ایجاد کرد تا در آنها مقاصد و نیت کارآفرینانه و طبع روحیه کارآفرینانه، برای تصمیم به راه اندازی یک کسب‌وکار ایجاد شود.

کلمات کلیدی: کارآفرینی، توسعه روستایی، "زنان"، چشم اندازها، چالشها.



مقدمه

تغییر و تحول دنیای پرشتاب کنونی، چالش‌های پی‌درپی نظام‌های اقتصادی-اجتماعی، کاهش ذخایر زیرزمینی، افزایش فقر و بیکاری، موجب برجسته شدن مفهوم کارآفرینی در بین سیاست‌گذاران و اندیشمندان گردیده است (احمدپورداریانی و همکاران، ۱۳۸۸).

در دنیای در حال تحول امروز، کامیابی از آن جوامعی است که به وسیله کارآفرینی منابع انسانی، بین منابع کمیاب و قابلیت‌های مدیریتی خود رابطه معناداری را برقرار سازند؛ به عبارت دیگر جامعه‌ای می‌تواند به سمت توسعه گام بردارد که با ایجاد بسترهای لازم، منابع انسانی خود را به دانش و مهارت کارآفرینی تجهیز کند تا با استفاده از این توانمندی از وجود مشکلات متعدد در فضای کسب‌وکار ایران در سالهای اخیر، اقتصاد ما را با چالش‌های جدیدی روبه‌رو ساخته است که گذر از آن‌ها نیازمند به کار گرفتن رویکردها و روش‌های خلاقانه است. در این میان نقش کارآفرینی و وجود افراد کارآفرین می‌تواند تعیین‌کننده باشد و جامعه را به سوی ایجاد ارزشهای رشد و توسعه، مدیریت و هدایت کند (طغرایبی و همکاران، ۱۳۹۸).

نواحی روستایی به دلیل شرایط خاص اکولوژیکی و اقتصادی اجتماعی، با مسائل و مشکلات متعدد و متنوعی مواجه اند که فقر و محرومیت از مهم‌ترین آنها محسوب می‌شود. علی‌رغم تمام کوشش‌ها و تلاش‌هایی که به منظور توسعه روستاها انجام شده است، آن چنان که باید این امر با موفقیت همراه نبوده و راهبردهای گذشته نتوانسته‌اند مسایلی نظیر فقر، اشتغال و پایداری را رفع نمایند. از طرف دیگر، چالش‌های روزافزون رودرروی کشاورزی نظیر قیمت‌های پایین کالاهای کشاورزی، افزایش هزینه‌های تولید، فشارهای زیست‌محیطی، تغییرات آب‌وهوا، جهانی‌سازی، صنعتی‌شدن، نوسان بازار کالاهای کشاورزی و فقدان برنامه‌های حمایتی از سوی دولت برای بخش کشاورزی، درآمد کشاورزان خرده پا را روزبه‌روز با کاهش مواجه کرده است. وجود چنین مشکلاتی سبب گردیده است تا سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان در پی یافتن راهکارهای مناسبی برای برون‌رفت از این مشکلات و دستیابی به توسعه روستایی باشند، در این میان، کارآفرینی یکی از شاخص‌ترین راه‌ها برای توسعه روستایی به‌شمار می‌رود. کارآفرینی با ایجاد فرصت‌های شغلی جدید در مناطق روستایی و ایجاد کارهای مخاطره-آمیز جدید، نقش مهمی در گسترده‌گی و تنوع اشتغال روستاییان دارد (احسانی‌فر و همکاران، ۱۳۹۵).

توسعه و رشد اقتصادی در مناطق روستایی محقق نمی‌شود مگر زنان روستایی در تمامی جهات و ابعاد توسعه، مداخله مستقیم داشته باشند به همین دلیل تقویت کارآفرینی زنان روستایی به عنوان راهکاری مؤثر در افزایش اشتغال و کاهش بیکاری، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است (یاسوری و نوروزی نژاد، ۱۴۰۰).

با اینکه ضرورت اشتغال و مشارکت زنان، در فعالیتهای اقتصادی همواره در تاریخ پیشرفت و توسعه جوامع مطرح بوده است، اما به دلیل توجه اندک به آموزش زنان و عدم بسترسازی مناسب برای ایجاد فرصتهای اشتغال آنان، هنوز در این زمینه وضعیت مطلوبی برای آنان ایجاد نشده است. این محرومیت، جایگاه اجتماعی-اقتصادی زنان را در فرآیند توسعه پایدار به شدت تنزل بخشیده است (پاپزن و همکاران، ۱۳۹۰).

۴۹/۳ درصد از جمعیت کشور را، زنان تشکیل می‌دهند (۱۲/۶۳ درصد از کل جمعیت زنان، روستایی بوده و همچنین، ۴۸/۷۲ درصد کل جمعیت مناطق روستایی را زنان تشکیل می‌دهند)، در حالی که نرخ مشارکت اقتصادی آنها مطابق آخرین آمارهای موجود ۱۳/۴ درصد است که با نرخ فعالیت اقتصادی زنان در جهان که بین ۲۵ الی ۳۰ درصد است فاصله بسیار زیادی دارد (رضا موحدی و سلمانیان بروجنی، ۱۳۹۶).

آمارها نشان می‌دهد که اغلب زنان به کار خانگی اشتغال دارند و یا اینکه اگر کار می‌کنند، بیشتر در مشاغل مشغول کار هستند که درآمد چندانی برای آنها ندارد (عزیزی و بهمن میری، ۱۳۹۲). نداشتن مهارت کافی برای به دست آوردن درآمدی جداگانه، وابسته بودن زنان به منابع درآمدی همسرانشان و ناکافی بودن این منبع درآمدی برای تامین نیازهای خود و خانواده، بسنده کردن به روش‌های تولیدی سنتی، محرومیت و جایگاه اجتماعی-اقتصادی پایین از جمله مشکلاتی است که زنان در جامعه روستایی با آن مواجه هستند. بنابراین آموزش‌های مهارتی به منظور کارآمد کردن فعالیت‌ها در نواحی روستایی، ایجاد اشتغال و درآمد برای این قشر امری ضروری است (حاجی علیانی و پاپزن، ۱۴۰۰). زیرا فعالیت‌های اقتصادی زنان، پیوندی مستقیم با فقر و رفاه اجتماعی دارد (یعقوبی فرانی و همکاران، ۱۳۹۳).

کارآفرینی و اشتغال زنان روستایی ضمن افزایش درآمد خانواده، بهبود وضعیت سواد و بهداشت خانواده و کاهش مهاجرت به شهرها می‌تواند زندگی روستایی و در نهایت کل جامعه را تحت تأثیر قرار دهد. بنابراین، شناسایی استعدادهای کارآفرینی روستائیان، به‌ویژه زنان روستایی و تلاش برای توسعه و تقویت کارآفرینی از طریق فراهم کردن زمینه‌های اولیه آن، اهمیت ویژه‌ای دارد (میرترابی و حجازی، ۱۳۹۰).

با بررسی مباحث نظری و مطالعات تجربی در زمینه کارآفرینی می‌توان به این نتیجه رسید که حضور زنان در بازار کار بسته به شرایط محیطی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی هر کشور متفاوت و با چالش‌هایی روبه‌رو است (یعقوبی فرانی و همکاران، ۱۳۹۳).

نقش زنان در توسعه روستایی

زنان در اغلب کشورهای در حال توسعه سهم درخور توجهی از نیروی کار کشاورزی را تشکیل می‌دهند. چنانکه در بسیاری از کشورها، ۶۰ تا ۷۰ درصد از نیروهای کار کشاورزی را به صورت آشکار و پنهان به خود اختصاص داده‌اند (روشن‌نیا و همکاران، ۱۳۹۴).

زنان روستایی به دلیل عدم دستیابی به امکانات و تسهیلات آموزشی هرگز نتوانسته‌اند از توانایی و استعدادهای خود به‌طور کامل بهره‌مند گردند و همواره در فرآیند توسعه مورد بی‌مهری قرار گرفته‌اند (بوذری، ۱۳۹۸). زنان-روستایی، روستا را مکانی می‌دانند که قرار است تمام عمر خود را در آنجا صرف کنند به‌همین دلیل کمتر مهاجرت کرده و به محیط اجتماعی روستا تعلق بیشتری دارند و هرگونه تحول در اوضاع اجتماعی روستا، بر رفتار و عملکرد آنها تأثیر مستقیم دارد. لذا می‌توان گفت که جامعه زنان روستایی همواره در حوزه نفوذ تحولات فیزیکی و اجتماعی برنامه‌های توسعه روستایی قرار دارد و از آن تأثیر می‌پذیرد (شهبازی، ۱۳۷۵).

زنان روستایی با انجام فعالیتهای خانه‌داری (آماده کردن غذا، پختن، شستن، نگهداری و محافظت از بچه‌ها و غیره) و فعالیتهای بیرون از منزل (مثل کشاورزی، دامپروری، ماهیگیری و غیره) نقش مهمی را در رسیدن به توسعه روستایی به عهده دارند. زنان روستایی در حین کشت محصولات معیشتی برای تأمین مواد غذایی مورد نیاز خانواده ممکن است به کشت فرآورده‌های نقدی (تجارتی) نیز مبادرت ورزند و یا در صورتی که خود فاقد زمین زراعی باشند و صرفاً در قبال اخذ دستمزد، به کار کردن برای دیگران تن در دهند. چنین زنانی را می‌توان در عین حال مروج کشاورزی، کارشناس تولید و حتی در پاره‌ای از موارد، سیاستگذار نیز به‌شمار آورد. جدای از فعالیت در زمینه کشاورزی، مشارکت زنان در توسعه روستایی امری بس حیاتی و با اهمیت، در جهت تأمین مواد غذایی کافی مورد نیاز محسوب می‌شود (روشن‌نیا و همکاران، ۱۳۹۴).

مفهوم کارآفرینی زنان روستایی

کارآفرینی به معنای قبول مسئولیت، پیگیری فرصت‌ها، تامین نیازها و خواسته‌ها از طریق نوآوری و راه‌اندازی یک کسب و کار تجاری است (شریفی و همکاران، ۱۳۸۹). ژوزف شومپتر کارآفرینی را فرآیندی می‌داند که منجر به ایجاد کالای جدید، روش جدید و بازار صنایع می‌شود. ایشان معتقد است خلق نوآوری در هریک از این زمینه‌ها به‌تنهایی، کارآفرینی محسوب می‌شود (آریانا و همکاران، ۱۳۹۹). آنچه مسلم است کارآفرینی ایجاد یک کسب و کار جدید همراه با پذیرش ریسک و عدم قطعیت است (حیدری‌مکرر و محبی، ۱۳۹۱) که درنهایت منجر به خلق کسب و کار، خلق ثروت، خلق نوآوری و ارزش می‌شود و هر محیط اجتماعی می‌تواند با روش خاص خود به انجام آن بپردازد (آراستی، ۱۳۸۵).

کوراتکر و هانگتس (۲۰۰۱)، اصطلاح کارآفرین به کسی اطلاق می‌شود که متعهد می‌شود، مخاطره‌های یک فعالیت اقتصادی را سازمان‌دهی، اداره و تقبل کند همچنین آن‌ها می‌گویند که در گذشته، افسانه‌ای شایع بود که کارآفرینان دارای ویژگی ذاتی هستند و این ویژگی‌های که همراه با آنان متولد می‌شود شامل: ابتکار، روحیه تهاجمی، تحرک، تمایل در به‌کارگیری ریسک، توان تحلیلی و مهارت در روابط انسانی است. بنابراین، فرض اساسی افسانه این بود که کارآفرینان از طریق آموزش، پرورش نمی‌یابند.

خلق فرصت‌های کسب و کار در هر محیط اجتماعی با چالش‌های متعدد رو به روست. یکی از این چالش‌ها به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه چالش‌های اقتصادی است (سجاسی‌قیداری و کلاته‌میری، ۱۳۹۹). موسسه‌های توسعه، کارآفرینی‌روستایی را یکی از زمینه‌های مناسب برای ایجاد فرصت‌های شغلی در بخش کشاورزی و غیرکشاورزی تلقی می‌کنند (علی توکلی و کریمی، ۱۳۹۸).

چاکانتی و همکاران (۲۰۰۲) معتقدند که کارآفرینان گروه‌های اقلیت هستند و تعداد کارآفرینان زن نسبت به گذشته به‌طور کاملاً بی‌سابقه افزایش یافته است. به نظر می‌رسد که این گروه از کارآفرینان با مشکلاتی متفاوت در مقایسه با دیگر کارآفرینان روبرو هستند.

کارآفرینی‌روستایی هیچ تفاوتی با مفهوم عام کارآفرینی ندارد. بلکه شرایط خاص مناطق روستایی از جمله کمبود امکانات، ضعف مدیریت و بالاتر بودن ریسک در این نواحی تفاوت‌هایی را در فعالیت‌های این مناطق ایجاد کرده است (یاسوری و نوروزی‌نژاد، ۱۴۰۰). توسعه کارآفرینی‌روستایی با ایجاد تنوع بخشی به درآمد و میزان تولیدات

کشاورزی و غیرکشاورزی باعث به وجود آمدن فرصت‌های مناسب برای کاهش ریسک معیشتی و افزایش امنیت غذایی پایدار در مناطق روستایی می‌شود (علی‌توکی و موحدی، ۱۳۹۵). کارآفرینان روستایی با سرمایه‌گذاری بر روی کسب و کارهای سبز، کشاورزی ارگانیک، اکوتوریسم، محصولات پایدار جنگلی و انرژی‌های تجدیدپذیر می‌توانند اقتصاد روستایی را در برابر تغییرات ملی محافظت کنند (موحدی و سلیمانیان بروجنی، ۱۳۹۶).

با توجه به محدودیت تحقیقات، تعاریف ارائه شده در زمینه کارآفرینی زنان محدود است. تا شروع سال ۱۹۸۰ مطالعات کارآفرینی، کارآفرینان را جملگی مرد می‌دانستند و کارآفرینی زنان و مردان یکسان مورد مطالعه قرار می‌گرفت توجه به مباحث زنان، در مطالعات اجتماعی به طور دقیق از سال ۱۹۸۰ با تمرکز بر رابطه بین زنان و اقتصاد در کشورهای توسعه یافته آغاز شد (آراستی، ۱۳۸۱).

بر مبنای تعریف لاوی زنان کارآفرین کسانی هستند که به تنهایی یا با مشارکت یا با ارثیه، با نوآوری و خلاقیت، کسب و کاری را ایجاد می‌کنند و با پذیرفتن مسئولیت اجتماعی و اداری و ریسک مالی ناشی از آن فرآورده جدیدی را به بازار عرضه می‌کنند تا در بازار از رقبا پیشی گیرند (آریانا و همکاران، ۱۳۹۸). مشارکت زنان به عنوان نیمی از جامعه روستایی در عرصه های گوناگون از شاخصهای مهم توسعه انسانی به شمار می‌آید (خسروی پور و کریمی، ۱۳۹۸ و حسینی دولتی و پرینچی، ۱۳۹۷).

اشتغال و کارآفرینی زنان روستایی به دلیل افزایش درآمد خانواده نتایجی چون بهبود وضعیت بهداشت خانواده، صرفه جویی در تولید محصولات زراعی و دامی، کاهش شکاف بین خانواده شهری و روستایی، بهبود وضعیت سواد خانواده و در نهایت کاهش مهاجرت به شهرها را در بر خواهد داشت. از آنجا که زنان سه پنجم فقرای جهان را تشکیل می‌دهند و جزء بزرگترین گروه محرومان جهان هستند و تعداد کثیری از این محرومان در روستاها زندگی می‌کنند. جهت جبران محدودیتها و محرومیتهای آنها می‌توان از طریق کارآفرینی اقدام کرد تا به سوی تساوی اقتصادی و اجتماعی حرکت کنند (موحدی و بروجنی، ۱۳۹۶).

تأثیر عوامل درونی و بیرونی در بروز رفتارهای کارآفرینانه زنان

کارآفرینی به نوبه خود فرایند پیچیده ای است که عوامل متعدد شخصیتی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و... در آن تاثیرگذار می باشند و شاید همین پیچیدگی و ناهموازی توجیه کننده میزان قابل تأمل عدم موفقیت بانوان در کارآفرینی و اساساً عدم ورود ایشان به فعالیت های کارآفرینانه باشد (آرامون و همکاران، ۱۳۹۰).

در اواسط قرن بیستم، روان شناسان توجه خود را به تحلیل فرد و متغیرهای شخصیتی و روانشناختی معطوف داشتند و اکثر آنها به دنبال پاسخ به این سوال بودند که کدام ویژگی های فردی کارآفرین است که وی را از غیر کارآفرین متمایز می سازد؟ از نتایج تحقیقات این دانشمندان به عنوان رویکرد روانشناختی نام برده می شود. آنچه این قبیل محققان به دنبال آن بودند فردی نمودن و نسبت دادن تمامی فعالیت های کارآفرینانه به شخص است. آنها فهرستی طولانی از ویژگی هایی همچون نیاز به توفیق، تمایل به مخاطره پذیری، دارا بودن مرکز کنترل درونی، استقلال طلبی، تحمل ابهام، عزم و اراده، پشتکار و اتکا به نفس را در فرضیات خود گنجانده اند. از آنجایی که رویکرد روانشناختی بیش از حد بر خصایص فردی و روان شناختی تاکید داشت، به نوعی دچار یکسو نگری شد و نتوانست مقوله ی پیچیده ی کارآفرینی را تبیین نماید؛ زیرا رفتار کارآفرینانه علاوه بر تاثیر خصایص فردی تحت تاثیر عوامل و متغیرهای دیگری است که گاهی ماهیت اجتماعی و فرهنگی دارند. از اوایل دهه ی ۱۹۶۰ توجه جامعه شناسان و روان شناسان به متغیرهای جمعیت شناختی معطوف شد که از مطالعات آنها تحت عنوان رویکرد جمعیت شناختی یا رفتاری یاد می شود. در این رویکرد، به دلایل و چگونگی تشکیل یک شرکت نوپا یا فرایندی که طی آن شرکت های جدید پا به عرصه ی وجود می گذارند؛ توجه می شود. رویکرد سوم به کارآفرینی، رویکرد محیطی است که در مطالعات اندیشمندان مدیریت و اقتصاد مورد توجه قرار دارد و طی آن عوامل محیطی و ساختاری موثر بر کارآفرینی مورد بررسی قرار می گیرد (ذکاوتی، ۱۴۰۰).

شباهت های کارآفرینان با هم، این افراد را از افراد غیر کارآفرین جدا می کند. همچنین کارآفرینان با تفاوت هایی که با یکدیگر دارند، یک گروه متنوع و گوناگون هستند. همین امر مطالعه ویژگی های کارآفرینان را مشکل کرده است. مجموعه ای از مؤلفه های درونی و بیرونی می تواند بر ظهور فرایندهای کارآفرینانه تأثیر داشته باشد. یکی از عوامل درونی، دستیابی به آزادی عمل در عملیاتی نمودن خواسته های فردی است که سبب ظهور فرایندهای کارآفرینانه می شود. همچنین تمایل به داشتن کنترل بیشتر بر روند زندگی و داشتن اعتماد به نفس بالا از محرک های اصلی این نوع اقدامات می باشند. در کنار عوامل درونی، مؤلفه های بیرونی چون بیکاری، کاهش

فرصت‌های شغلی، قرار گرفتن در معرض ایده‌های با ارزش، برخورداری از پشتیبانی لازم، تجربیات مرتبط، پشتوانه خانوادگی، دسترسی به برنامه‌های آموزشی و توسعه و شناسایی یک موقعیت مناسب در بازار نیز بر ظهور فرایندهای کارآفرینانه اثرات قابل توجهی دارند (آرامون و همکاران، ۱۳۹۰).

ضرورت کارآفرینی زنان روستایی در کشاورزی

زنان همواره به‌عنوان نیمی از جامعه انسانی با بهره‌مندی از جایگاه اجتماعی و اقتصادی متفاوت، ایفاگر نقش‌های متعدد و متنوعی بوده‌اند. افزایش زنان و دختران تحصیل‌کرده و عدم توان جذب این افراد از سوی بخش دولتی، موجب گرایش بیشتر زنان به راه‌اندازی کسب‌وکار در سالهای اخیر شده است. کارآفرینی کشاورزی یکی از صنایع جدیدی است که توان جذب نیروی کار از جمله زنان روستایی را در فعالیتهای اقتصادی دارد (یزدخواستی و احمدی، ۱۳۸۶).

زنان روستایی در فعالیتهای روزانه زندگی و فعالیت روستایی مشارکت فعالی دارند و در نقش‌های اقتصادی همچون مراقبت و فراهم‌آوری مواد خوراکی و نقش خانوادگی و مادری جایگاه مهمی بر عهده دارند. شناخت توانمندیها و مهارتهای زنان، به‌خصوص زنان روستایی و هدایت استعدادهای آنان میتواند در بهره‌برداری از ظرفیتهای این قشر عظیم اجتماعی مؤثر واقع شود، شناخت الزامات گوناگون زندگی و فعالیت زنان روستایی، امکان برنامه‌ریزی در جهت به‌کارگیری مهارتهای پنهان جامعه روستایی را فراهم خواهد ساخت (ریاحی و طولابی‌نژاد، ۱۳۹۸).

روستاهای دارای ظرفیتهای کارآفرینی کشاورزی می‌تواند به‌عنوان یک پشتوانه برای اشتغال و ایجاد فعالیتهای اقتصادی و کارآفرینی تلقی شود. چراکه توسعه کارآفرینی کشاورزی و مشارکت زنان در فعالیتهای کارآفرینی، نقش برجسته‌ای در وضعیت زندگی روستایی و به‌ویژه زنان روستایی دارد (یزدخواستی و احمدی، ۱۳۸۶).

برنامه‌ریزان و کارشناسان باید تلاشهای خود را به سمت کاهش محدودیتها و محرومیت‌های زنان روستایی سوق دهند و آنها را به سمت مشارکت اقتصادی و اجتماعی مؤثر و عادلانه هدایت نمایند، این امر از طریق توسعه مهارتهای زنان میسر خواهد شد، جامعه‌ای که مشارکت زنان را در زمینه اشتغال و فعالیتهای اقتصادی فراهم سازد، دارای رفاه اجتماعی بیشتر خواهد بود، زیرا مشارکت زنان در بازار کار موجب افزایش سطح تولید،

افزایش درآمد سرانه و در نتیجه افزایش رفاه اجتماعی کل جامعه میشود (ریاحی و طولابی نژاد، ۱۳۹۸). برعکس دسترسی محدود زنان به فرصتهای کسب درآمد و اشتغال باعث فقرگسترده آنان خواهد شد (یزد خواستی و احمدی، ۱۳۸۶). به همین خاطر توجه به مشارکت زنان در فعالیتهای اقتصادی خارج از خانه و ایجاد فضای مناسب برای کسب و کار آنها می تواند ضمن افزایش نرخ اشتغال بانوان، منجر به کاهش بیکاری و کمک به افزایش درآمد خانواده شود (ریاحی و طولابی نژاد، ۱۳۹۸).

راهکارهای اقتصادی و اجتماعی موثر بر توسعه کارآفرینی زنان روستایی

در سالهای اخیر یکی از محورهای عمده در پژوهش های مرتبط با کارآفرینی، بررسی عوامل تاثیرگذار بر انجام دادن فعالیت کارآفرینانه از سوی زنان بوده است. با بررسی مباحث نظری و مطالعات تجربی در زمینه کارآفرینی می توان به این نتیجه رسید که حضور زنان در بازار کار بسته به شرایط محیطی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی هر کشور متفاوت است (یعقوبی فرانی و همکاران، ۱۳۹۳). رویکرد اکثر کشورهای جهان در دهه های اخیر به موضوع کارآفرینی و توسعه آن، موجب شده موجی از سیاستهای توسعه کارآفرینی در دنیا ایجاد شود. کشورهای دنیا در سه دهه گذشته به راهکارهای مختلفی برای غلبه بر مشکلات اقتصادی و اجتماعی روی آورده اند که در ذیل به آنها اشاره شده است (خسروی پور و کریمی، ۱۳۹۱).

۴- ۱- توسعه فرهنگ کارآفرینی

در توسعه فرهنگ کارآفرینی عوامل فردی، خانوادگی، فرهنگی و اقتصادی تاثیرگذار می باشند. که شرح این عوامل به صورت ذیل است:

۱-۱ عوامل فردی:

یعقوبی فرانی و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهش خود وجود برخی ویژگی های شخصیتی نظیر: نیاز به موفقیت، ریسک پذیری، وجود مرکز کنترل را بر تسهیل و تسریع فرآیند توسعه کارآفرینی موثر میدانند. مظهری و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهش خود به این نتایج دست یافته اند که عواملی مانند: خلاقیت فردی، ابتکار، اعتماد به نفس، انگیزه و داشتن روحیه گروه گرایی بیشترین تاثیر را بر توسعه کارآفرینی روستایی و افزایش سطح مهارت کارآفرینانه روستائیان را دارا می باشد. آراستی (۱۳۸۵) در پژوهشی با هدف ساختارهای فرهنگی-اجتماعی موثر در ایجاد کسب

و کارهای کارآفرینانه دریافت که عوامل تقویت کننده در زنان کارآفرین، نگرش موفق اطرافیان است و لازمه تغییر و تحول در ساختار فرهنگی-اجتماعی کشور تشویق زنان و دختران به کارآفرینی می‌باشد.

۱-۲ عوامل خانوادگی:

نوع نگرش منفی مردان به فعالیت‌های اقتصادی زنان همیشه به عنوان مانعی بزرگ بر سر راه کارآفرینی زنان قرار دارد. مخالفت والدین و همسران با فعالیتهای مشارکتی دختران و بانوان، وجود مسئولیت خانه‌داری و مراقبت از فرزندان باعث شده کسب و کارهای زنان تاثیر پذیری بیشتری از شرایط و ویژگی‌های خانوادگی داشته باشد (علیخانی دادوکلائی، ۱۳۹۳). قرار گرفتن افراد خانواده در معرض کسب و کار دیگران و تجربه قبلی در زمینه کارآفرینی میتواند در تغییر نگرش افراد نسبت به کارآفرینی زنان تاثیرگذار باشد (یعقوبی فرانی و همکاران، ۱۳۹۳)

۱-۳ عوامل فرهنگی :

یکی از عوامل موثر بر کارآفرینی هر جامعه فرهنگ حاکم بر آن جامعه است. فرهنگی که در آن کارآفرینی یک ارزش محسوب می‌شود افراد بیشتری را به کارآفرینی تشویق می‌کند. بستر فرهنگی یکی از مهمترین عامل زیربنایی و اساس سایر بسترهای کارآفرینی به‌شمار می‌رود. فرهنگ مجموعه‌ای از قوانین است که مشخص می‌کند چگونه کارها انجام شود و چه چیزی خوب و چه چیزی بد است (شجاعی فرد، ۱۳۸۹).

از نظر گلرد انگیزه و اهداف زنان کارآفرین یکی از عوامل موثر در روند توسعه کارآفرینی توسط آنها می‌باشد (یعقوبی فرانی و همکاران، ۱۳۹۳). زنان روستایی برای تحقق بخشیدن به ایده‌های خود باید قاطع باشند و مسیر کارآفرینی خود را بهبود ببخشند و با اعتماد به نفس تغییرات مثبتی را در محیط پیرامون خود ایجاد کنند و با حضور فعال خود در عرصه‌های اجتماعی، زمینه مناسب برای تحول فرهنگ توسعه را فراهم آورند (ياسوری و نوروزی نژاد، ۱۴۰۰).

۱-۴ عوامل اقتصادی:

اقتصاد عصر حاضر در کنار استفاده از نیروی کار و سرمایه مالی قدرت اصلی خود را از کسانی می‌گیرد که خلاق هستند و سعی در تغییر شرایط دارند (آریانا و همکاران، ۱۳۹۸). بسیاری از کارآفرینان دانش کافی درباره

شناخت بازار، رقیبان و مشتریان خود نداشته و همین امر سبب کاهش درآمد آنها و تعداد کم مشتریان و خدمات آنها خواهد شد. در تحقیقات مختلف، بازاریابی از عوامل موثر در توسعه کارآفرینی روستایی در نظر گرفته شده است. هدف بازاریابی علاوه بر فروش کالا افزایش تعداد مشتریان نیز می‌باشد و این امر زمانی میسر می‌شود که زنان روستایی شناخت صحیح از بازار و نیازهای مشتریان داشته باشند (احمدی و همکاران، ۱۳۹۸).

فلاح جلودار و همکارانش (۱۳۸۶) در پژوهش خود در استان‌های شمال کشور دریافتند که

۱- حمایت‌های اعتباری دولت؛ این حمایت‌ها از طریق ارائه تسهیلات بانکی از عوامل تاثیرگذار در موفقیت کارآفرینی زنان روستایی است. با این روش امکان دسترسی آسان به شرایط و امکانات مورد نیاز اقتصادی و سرمایه‌گذاری در کسب و کارهای پر بازده برای آنها فراهم می‌شود.

۲- انجام حمایت‌های لازم از کارآفرینان: وجود کسب و کارهای کوچک زمینه را برای مشارکت زنان در جوامع روستایی و ورود آنها به عرصه کارآفرینی فراهم می‌آورد. صندوق اعتبارات خرد با هدف سرعت بخشیدن به فرآیند سرمایه‌گذاری و تقویت توانایی مالی در مناطق روستایی نقش بسزایی در تحقق این اهداف دارد.

۳- صندوق اعتبارات خرد روستایی: یکی از روشهای حمایتی جهت توانمندسازی زنان روستایی، طرح صندوق اعتبارات خرد زنان روستایی است که با ایجاد گسترش فعالیتهای درآمدزا برای زنان، به ویژه زنان کم‌درآمد روستا، توسعه جوامع محلی را ممکن می‌سازد. حداکثر تعداد اعضا ۵۰ نفر می‌باشد که به گروههای ۵ تا ۷ نفره تقسیم می‌شوند پس از ارائه طرح توسط زنان روستایی عضو صندوق، با احتساب پس انداز ماهیانه می‌توانند از صندوق، تسهیلات دریافت نمایند (آریانا و همکاران، ۱۳۹۸). نرخ کارمزد این وامها بین ۶ تا ۱۰ درصد است و بازپرداخت وامها بین ۱۰ تا ۱۲ ماه می‌باشد (فقیری و همکاران، ۱۳۹۳).

شبکه خرد وام‌دهی می‌تواند به افزایش توانمندی زنان عضو کمک نماید. دسترسی زنان به اعتبارات، منجر به افزایش سطح درآمد آنان، ارتقاء جایگاه زنان در مشارکت اقتصادی خانواده، افزایش مشارکت آنها در تصمیم‌گیری در مورد هزینه‌های خانوار و بهبود دیدگاه عمومی زنان در مورد نقش زن در خانواده و جامعه می‌گردد (رحمانی و همکاران، ۱۳۸۷). علی توکلی و موحدی (۱۳۸۷) در پژوهشی با هدف نقش اعتبارات خرد در توسعه کارآفرینی

زنان روستایی دریافتند که اعتبارات خرد به عنوان راهکاری مطمئن، سرمایه‌های مالی لازم جهت توسعه کارآفرینی روستایی را محقق می‌سازد.

۴- گسترش کسب و کارهای خرد با اولویت مشاغل خانگی

بیش از ۷۰ درصد کارآفرینان موفق ابتدا کار خود را از خانه شروع کرده‌اند. کسب‌وکارهای خانگی شرایط را برای اجرای یک ایده کارآفرینانه با روشی ساده‌تر و با ریسک‌پذیری پایین‌تر فراهم می‌کنند. اگرچه در کشورهای در حال توسعه این گونه کسب‌وکارها به صورت غیررسمی بوده و عملاً درآمدی نصیب دولت‌ها نمی‌شود اما این نوع کسب‌وکارها در اشتغال و کارآفرینی نقش قابل توجهی را ایفا می‌کنند. فرصت‌های کسب‌وکار خانگی با ایجاد خوداشتغالی باعث رفع کمبودها و برطرف کردن نیازهای محلی یک اقتصاد گردیده و امکان ایجاد توسعه پایدار اقتصادی را در جوامع روستایی ایجاد می‌کند (احمدپورداریانی، ۱۳۸۴).

نجفی و صفا (۱۳۹۳)، در پژوهشی با هدف بررسی کسب‌وکارهای خانگی کارآفرینانه و موانع چالش‌های توسعه آنها در مناطق روستایی بیان داشته‌اند: که توسعه کسب‌وکارهای کارآفرینانه به دلیل ایجاد اشتغال و ثروت یکی از الزامات حیات اقتصادی روستاها می‌باشد که باید در برنامه‌های کلان توسعه روستایی جز اولویتها قرار بگیرد. راه‌اندازی و توسعه این کسب‌وکارها به‌ویژه در مناطق روستایی مخصوصاً برای زنان دارای مزایای متعددی می‌باشد که از مهمترین آنها می‌توان به نیاز به سرمایه‌اولیه کمتر، بودن در کنار خانواده و بهره‌مندی از حمایت آنها، ساعت کاری انعطاف‌پذیر، عدم نیاز به مجوزهای دست و پاگیر، راحت بودن تربیت فرزندان و پایین بودن هزینه راه‌اندازی، اشاره نمود. بر این اساس راه‌اندازی کسب و کارهای کوچک توسط زنان موجب ایجاد سرمایه اجتماعی، افزایش آگاهی و ظرفیت‌سازی در آنها شده است که در نهایت این عوامل منجر به توانمندسازی آنها می‌گردد.

شیوه‌های آموزشی بر توسعه کارآفرینی

در عصر حاضر مهارت تاثیر بسزایی در افزایش بهره‌وری، بالا بردن انگیزه افراد و انجام بهتر کارها دارد که در نهایت منجر به توسعه منابع انسانی می‌شود که یکی از عوامل تاثیرگذار در کارآفرینی است (طیب زاده و لشکر آرا، ۱۳۹۲). بر اساس پژوهشهای انجام شده، زنانی که مهارت‌های درآمدزا دارند، در مقایسه با زنان دیگر از کیفیت

زندگی بالاتری برخوردارند (تاتیانا بلداجی و همکاران، ۱۳۸۸). بر همین اساس برخورداری نیروی کار از مهارت و توانمندی شغلی از عوامل اصلی در تعیین میزان موفقیت فعالیت‌های اقتصادی می‌باشد. توانمندی شغلی شامل دانش، نگرش و مهارت فنی مورد نیاز محیط کار می‌باشد که این مهارتها قابل انتقال بوده و در همه سطوح کاری برای موفقیت شغلی مورد نیاز است (میرکمالی و باقری جلیلی، ۱۳۸۴).

یکی از روشهای ترویج و گسترش مهارت کارآفرینی آموزش کارآفرینی است. آموزش کارآفرینی ابزاری کارآمد برای دولتها در راستای توسعه اقتصادی دانش‌محور محسوب می‌شود. آموزشهای فنی و حرفه‌ای به دلیل ماهیت آموزش چند بعدی می‌تواند بر روی مهارت‌های مختلف فراگیران با ماهیت کارآفرینی تاثیرگذار باشد. این مهارتها شامل: مهارت شخصی، مهارتهای مدیریتی، مهارتهای فنی، مهارتهای انسانی، مهارتهای اجتماعی و سیاسی و مهارتهای ادراکی می‌باشند. در واقع بدون آموزش مهارت به روستائیان نمی‌توان انتظار ایجاد کسب و کار با بازدهی مطلوب را داشت (موحدی و سلیمانیان بروجنی، ۱۳۹۰).

انجام تحقیقات و پژوهش‌های لازم در زمینه کارآفرینی

توسعه کارآفرینی زنان در مناطق روستایی به عنوان عامل کلیدی در اقتصاد ملی نیازمند تدوین برنامه راهبردی است. به دلیل اینکه مشارکت زنان در امور اقتصادی عامل موفقیت کلیه فعالیتهایی است که به منظور بهبود شرایط جامعه و تسهیل توسعه پایدار صورت می‌گیرد. امروزه تکیه بر الگوهای اقتصادی توسعه درون‌زا و خودیار برای برنامه‌ریزان امری ضروری و لازم می‌باشد. زیرا با اجرای الگوی مدیریت مشارکتی تمام افراد جامعه تلاش خود را به‌کار می‌گیرند تا هر کدام به نوعی برای بهبود وضعیت جامعه اقدام اصلاحی انجام دهند (بشیرحسین و قربانی‌نژاد، ۱۳۹۵).

موانع و چالشهای کارآفرینی زنان روستایی

وجود تغییراتی مانند خصوصی‌سازی و آزادسازی بازار، کناره‌گیری دولت از حمایت مستقیم کشاورزان، شرایط زندگی را برای فقرا روستایی به‌ویژه زنان وخیم‌تر کرده است (خسروی پور و کریمی، ۱۳۹۲). در این

مقطع زمانی، بسنده کردن به فعالیت‌های کشاورزی (زراعت، باغداری و دامداری) در نواحی روستایی کافی نبوده و بهره‌وری اقتصادی را برای زنان روستا با مشکل روبه‌رو می‌سازد، لذا با توجه به نقش کلیدی زنان روستایی به‌عنوان کانون تولید و ارزش‌آفرینی هر کشور و به دنبال آن ظهور مسائل و مشکلات فراوان در زمینه اشتغال و کاربردی نبودن آموزش‌ها برای زنان روستایی باید در پی تلفیق فعالیت‌ها و افزایش اشتغال در محیط روستا و به خصوص برای قشر زنان بود تا با افزایش درآمد و انواع فعالیت‌ها در نواحی روستایی، سطح کمی و کیفی زندگی در نواحی روستایی ارتقاء یابد، که خود در ماندگاری جمعیت روستایی در محیط روستا موثر است و علاوه بر آن زمینه‌های توسعه پویایی اقتصاد روستایی را فراهم می‌آورد. در برنامه‌های توسعه تلاش می‌شود شرایط لازم برای توسعه و کارآفرینی زنان نیز فراهم شود تا زنان بتوانند با پدید آوردن فرصت‌های شغلی برای خود و دیگران، مشکلات کنونی جامعه را پایان بخشند (یعقوبی فرانی و همکاران، ۱۳۹۳).

زنان روستایی گذشته از نقش خانه‌داری و نقش تعیین‌کننده‌ای که همزمان با کمک در فعالیتهای اقتصادی خانواده ایفا می‌کنند، نیروهای نامرئی هستند که معمولاً نه تنها حقوق و دستمزد دریافت نمی‌کنند، بلکه فعالیت اقتصادی آنان به رسمیت شناخته نمی‌شود و یا اصلاً به حساب نمی‌آید (روشن‌نیا و همکاران، ۱۳۹۴). موانع کارآفرینی زنان را می‌توان در چهار بعد فردی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی بررسی نمود که شامل

۱. بعد فردی

در زنان فقدان انگیزه پیشرفت، گرایش به دستورپذیری از دیگران، عدم کمال‌طلبی، تجربیات ناخوشایند دوران کودکی، عدم اعتماد به نفس و خودباوری، عدم خطرپذیری و تحمل ریسک، کمبود نیاز به موفقیت جزچالشهای فردی- شخصیتی زنان در کارآفرینی روستایی محسوب می‌شود (روانبخش امینی، ۱۳۹۷).

۲. بعد فرهنگی

جواهری و قضاتی (۱۳۸۳)، در مطالعه خود به این نتیجه رسیدند که نابرابری جنسیتی در جامعه ایران، وجود برخی باورهای کلیشه‌ای، ناهماهنگی انتظارات و نقش‌ها و فضای حاکم بر جامعه به دلیل برخی مناسبات فرهنگی، اجتماعی از عوامل محدودکننده کارآفرینی زنان است. روانبخش و امینی (۱۳۹۷)، در پژوهش خود با

عنوان بررسی ابعاد و موانع فرهنگی اشتغال زنان روستایی عوامل طرز تلقی و نگرش جامعه به وظایف زنان، فرهنگ مردسالاری، تبعیض و طرز نگرش جامعه به زن و درونی شدن نگرش در زنان را از مهمترین موانع فرهنگی اشتغال زنان در ایران بخصوص روستاها میدانند.

کمبود آگاهی زنان از حقوق فردی، خانوادگی و اجتماعی، حرفه‌ای خود و عدم شرکت در تشکلهای صنعتی حرفه‌ای و فعالیتهای اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، به استمرار نابرابری بین حقوق زن و مرد دامن زده است. از طرفی وجود فرهنگ اقتدارگرا و مردسالار با رواج باورهای سنتی و کلیشه‌های جنسیتی از آغاز تربیت و اجتماعی شدن دختران، ضعف اعتماد به نفس، حس حقارت و خودکم‌بینی توانایی‌ها و کاهش عزت‌نفس را به زنان القا کرده است به گونه‌ای که تحت تاثیر تبعیضهای جنسیتی فرصت‌های اجتماعی و شغلی کمتری در اختیار آنان قرار می‌گیرد (روشن‌نیا و همکاران، ۱۳۹۴).

۳. بعد اقتصادی

در حالی که زنان در آسیا به طور متوسط ۱۲-۱۳ ساعت بیش از مردان کار می‌کنند، به دلیل بدون مزد بودن کار خانگی همچنان در سطح نازل درآمدی قرار می‌گیرند. از آنجا که طبق قانون، ریاست خانواده با شوهر است و خروج از کشور زن منوط به اجازه کتبی شوهر است، مشکلاتی در مسیر کار زنان ایجاد می‌شود. قوانین ناظر بر اشتغال، از جمله قانون اشتغال نیمه‌وقت زنان و مقررات در زمینه مرخصی زایمان از عوامل محدودکننده دیگر در حیطه اشتغال زنان است (همان منبع).

۴. بعد اجتماعی

مسئله تعدد نقش زنان به طوری که انتظار انجام مسئولیت‌های متفاوت زنان در قالب همسر، مادر، خانه‌دار، شاغل و غیره آنها را دچار تنش و نوعی تضاد نقش و فشارهای ناشی از آن می‌کند. از طرفی وجود ناامنی‌های اجتماعی امکان حضور فعال زنان در جامعه را کاهش می‌دهد (همان منبع).

اثرات نابرابری جنسیتی بر کارآفرینی زنان

اگر تفاوت‌های طبیعی میان دو جنس مبنای ارزش‌گذاری و امتیازدهی متفاوت باشد، در این صورت نابرابری به وجود می‌آید. در افراطی‌ترین شکل، چنانچه اعضای یک جنس نسبت به جنس دیگر پست‌تر شمرده شوند، به طوری رفتار نابرابر با یک جنس عادلانه تلقی شود، در این صورت تبعیض رخ می‌دهد. منظور از جنسیت، نقش-ها، مسئولیت‌ها و فرصت‌های تفکیک‌ناپذیر زنان و مردان در جامعه است. تفاوت‌های جنسیتی پدیده‌ای تاثیرگذار بر باورها و عقاید اجتماعی است و توسط جامعه، اعم از زنان و مردان تفهیم و ترویج می‌شود و نوع دیگری از تفکیک جنسیتی، در نوع فعالیت آن‌هاست. منظور از نابرابری جنسیتی این است که نقش زنان و مردان به صورت برابر در جامعه به رسمیت شناخته نشده است. این عبارت به معنای بهره‌مندی زنان و مردان از شرایط نابرابر، برای دستیابی به حقوق اجتماعی، فرصت مشارکت و سهم شدن در توسعه و بهره‌مندی از منافع توسعه و شرکت در فرایند برنامه‌ریزی است. به عبارتی، نابرابری جنسیتی فقدان دسترسی برابر زنان و مردان به امکانات و موقعیتهای اجتماعی است. خانواده، نظام تعلیم و تربیت، باورهای کلیشه‌ای، رسانه‌های جمعی، هنجارهای اجتماعی رسمی و غیررسمی، شیوه تقسیم‌کار و توزیع منابع ارزشمند در انتقال نگرشهای جنسیتی و ساختن خود انسان نقش موثری دارند. بنابراین هویت جنسیتی یعنی تصورات، معانی، ارزشها و انتظارات مربوط به یک جنس که از طریق تعامل اجتماعی در عرصه‌های مختلف به انسان منتقل می‌شود و ساختار روانی و شخصیتی او را می‌سازد. ساختار روانی که ترکیبی از ادراک، عاطفه و تکانه است، براین واقعیت دلالت دارد که آدمی چگونه و چرا احساس می‌کند، اراده می‌نماید و ادراک می‌کند بنابراین این موضوع که نسبت اندکی از زنان شاغل ایران کارآفرین هستند، باید یکی از دلایل آن را در تاثیر نابرابری جنسیتی بر ساختارهای روانی و شخصیتی زنان جستجو نمود. زیرا تفاوت‌هایی که مردم در انجام دادن کاری خاص در شرایط نسبتاً یکسان از خود نشان می‌دهند، ناشی از تفاوت ابعاد شخصیتی آنان است (چلبی، ۱۳۷۵).

منابع

- آراستی، ز. (۱۳۸۵). "زنان کارآفرین ایرانی، ساختار فرهنگی-اجتماعی موثر در ایجاد کسب‌وکارهای کارآفرینانه"، نشریه زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)، ۲(۴)، ۹۳-۱۱۹.

آرامون، ه. میرغفوری، ح و رارع احمدآبادی، ح. (۱۳۹۰). تاثیر عوامل درونی و بیرونی بر بروز رفتارهای کارآفرینانه زنان. ۳(۸). ۹-۲۲.

احمدپور داریانی، م صالحی، م و خسروی، ز. (۱۳۸۸). بررسی تطبیقی انگیزه پیشرفت در کارآفرینان با غیر کارآفرینان در صنایع شهر تهران. نشریه توسعه کارآفرینی. ۲(۶)، ۵۷-۷۲.

آریانا، آ.، دستیار، ز.، و توسلی، ع. (۱۳۹۸). "نقش زنان کارآفرین در توسعه و تحول کشور بررسی موردی استان هرمزگان"، فصلنامه علمی کارآفرین، ۶(۴۶)، ۱۰۱-۱۲۰.

احمدی، س.، کوهستانی، ح.، یادآور، ح.، و شعبانعلی فمی، ح. (۱۳۹۸). "فرا تحلیل عوامل موثر بر توسعه کارآفرینی زنان روستایی"، ۶(۸)، ۲۱-۳۸.

احمدپورداریانی، م. (۱۳۸۴). "کارآفرینی، تعاریف، نظریات والگوها"، تهران: پردیس.

بشیراحسن، م.، و قربانی نژاد، ر. (۱۳۹۵). "نقش زنان کارآفرین در توسعه اقتصادی روستایی مطالعه موردی: دهستان خرمود واقع در شهرستان تویسرکان"، فصلنامه جغرافیایی سرزمین من، سال چهاردهم، شماره ۵۳، ۱۰۷-۹۳.

بوذری، س. (۱۳۹۸). رهیافت‌های مشارکت زنان روستایی در توسعه روستا، فصلنامه اطلاعات جغرافیایی سپهر، ۱۰(۴۰)، ۵۴-۶۰.

پاپ زن، ع.، خالدی، خ.، و سلیمانی، ع. (۱۳۹۰). ارزشیابی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای زنان روستایی در زمینه صنایع دستی، فصلنامه علمی - پژوهشی جامعه شناسی زنان، ۲(۳).

تاتیانا بلداجی، ا.، ستاره فروزان، آ.، و رفیعی، ح. (۱۳۸۸). "کیفیت زندگی زنان سرپرست خانوار تحت پوشش سازمان بهزیستی کشور و زنان شاغل خدماتی"، فصلنامه علمی - پژوهشی و رفاه اجتماعی، سال یازدهم، شماره ۴۰، ۲۸-۹.

جوهری، ف.، و قضاتی، س. (۱۳۸۳). "بررسی تاثیر نابرابری جنسیتی بر کارآفرینی زنان در ایران: موانع کارآفرینی زنان"، نشریه جامعه شناسی ایران، سال دوم، شماره ۱۸، ۱۷۸-۱۶۱.

حاجی علیانی، س.، و پاپ‌زن، ع. (۱۴۰۰). نقش آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در اشتغال‌زایی زنان روستایی با استفاده از نظریه بنیانی (روستای چقارمان بی‌ابر استان کرمانشاه)، نشریه راهبردهای کارآفرینی در کشاورزی، ۸(۱۶)، ۱۳۵-۱۲۵.

چلبی، م. (۱۳۷۵). جامعه‌شناسی نظم: تشریح و تحلیل نظم اجتماعی، تهران: نشر نی.

حسینی، م.، دولتی، م.، و پرینچی، م. (۱۳۹۷). بررسی عوامل موثر بر موفقیت کارآفرینی زنان روستایی عضو تعاونی‌های روستایی زنان در شمال استان تهران، نشریه تعاون و کشاورزی، سال هفتم، شماره ۱۲۹، ۲۶-۱۵۶.

خسروی‌پور، ب.، و کریمی، ن. (۱۳۹۸). تحلیل عوامل تاثیرگذار در کارآفرینی زنان روستایی، نشریه جغرافیا و روابط انسانی، سال دوم، شماره ۵، ۹۵-۱۰۵.

رحمانی، م.، زند رضوی، س.، ربانی، ع.، و ادیبی، م. (۱۳۸۷). نقش اعتبارات خرد در توانمندسازی زنان (مطالعه موردی: روستای پشت رود بم)، فصلنامه مطالعات زنان، سال ششم، شماره ۳(۱۶)، ۱۳۲-۱۰۵.

ذکاوٹی، ع. (۱۴۰۰). به سوی توسعه غوطه ور در اخلاق؛ تغییر مسیر آینده برنامه ریزی. فصلنامه راهبرد فرهنگ. سال چهاردهم، شماره ۵۴.

روشن‌نیا، د.، خادمی، ر.، کردی، ل.، و صلحی‌فام‌اصل، ژ. (۱۳۹۴). بررسی نقش زنان روستایی در توسعه و موانع و محدودیت‌های آنان، ماهنامه کار و جامعه، شماره ۱۹۰، ۸۹-۸۲.

روان بخش، ص.، و امینی‌سابق، ز. (۱۳۹۷). بررسی ابعاد و موانع فرهنگی اشتغال زنان روستایی، همایش بین‌المللی مدیریت، کارآفرینی و توسعه روستایی، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، دوره ۴.

ریاحی، و.، و طولابی‌نژاد، م. (۱۳۹۸). بررسی آسیب‌های جنسیتی کشاورزان خرده‌مالک نسبت به مخاطرات اقلیمی در شهرستان پلدختر، توسعه محلی روستایی-شهری (توسعه روستایی)، ۱۱(۱)، ۵۴-۲۵.

سجاسی قیداری، ح.، و کلاته‌میری، ر. (۱۳۹۹). تحلیل تأثیر آموزش فنی و حرفه‌ای در تقویت مهارت‌های کارآفرینانه روستائیان: مطالعه موردی شهرستان جوین، نشریه روستا و توسعه. ۲۳ (۴)، ۱۷۸-۱۴۹.

سیدی، ر. (۱۴۰۱). شناسایی راهکارهای اقتصادی و اجتماعی موثر بر توسعه کارآفرینی زنان روستایی، نخستین جشنواره کارآفرینی ایثارگران، تهران.

شریفی، ا.، اسدی، ع.، رضایی، ر. و عادل، م. (۱۳۸۹). کارآفرینی زنان دانشگاهی، پژوهشنامه زنان، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال یکم، شماره ۱، ۱۰۶-۷۳.

شهبازی، ح. (۱۴۰۱). کارآفرینی کشاورزی راهبردی در توسعه پایدار روستایی، جغرافیا و روابط انسانی، ۲(۵)، ۲۴۸-۲۳۴.

طیب‌زاده، م.، و لشگرآرا، ف. (۱۳۹۲). شناسایی الزامات توسعه مهارت‌های کارآفرینی زنان روستایی استان قم، نشریه پژوهش‌های ترویج و آموزش کشاورزی، دوره ششم، شماره ۴، ۷۲-۶۱.

طغریایی، م.، میرواحدی، س.، و هاشمی، س. (۱۳۹۸). طراحی الگوی آموزش کارآفرینانه در مدارس، نوآوری‌های آموزش، ۱۸(۷۱)، ۸۲-۵۹.

عزیزی، م. غ. و زارع بهمن میری، م. ح. (۱۳۹۲). بررسی نقش کسب و کارهای خانگی در توسعه اشتغال و کارآفرینی زنان. همایش دانشگاه کارافریت، صنعت دانش محور

علی‌توکلی، ف.، و موحدی، ر. (۱۳۹۵). نقش اعتبارات خرد در توسعه کارآفرینی زنان روستایی، نشریه کارآفرینی در کشاورزی، سال سوم، شماره ۳، ۵۵-۳۹.

علی‌توکلی، ف.، و کریمی، س. (۱۳۹۸). بررسی نقش کسب و کارهای بسیار کوچک در توانمندسازی و خوداتکایی زنان روستایی، نشریه کارآفرینی در کشاورزی، ۲(۶)، ۸۱-۷۶.

علیخانی دادوکلائی، م. (۱۳۹۳). چالش پیش‌رو زنان در کارآفرینی کشاورزی، نشریه کارآفرینی در کشاورزی، شماره ۴، ۳۲-۱۹.

فقیری، م.، زرافشانی، ک.، و علی‌بیگی، ا. (۱۳۹۰). پایان نامه بررسی اثربخشی صندوق‌های اعتبارات خرد در توانمندسازی زنان روستایی استان کرمانشاه، دانشگاه رازی کرمانشاه.

- فلاح جلودار، ر.، فرج‌اله حسینی، س.، حسینی، س.، و میردامادی، س. (۱۳۸۶). عوامل موثر بر موفقیت کارآفرینی زنان روستایی شمال کشور، روستا و توسعه، ۱۰(۴)، ۸۷-۱۱۵.
- مظهری، ر.، محمدی‌خیاره، م.، خیراندیش، م.، و جهانبخش‌رستمی، م. (۱۳۹۶). اولویت‌بندی عوامل موثر بر توسعه کارآفرینی کشاورزی در توسعه روستایی (مطالعه موردی: دهستان کوهستان شهر رستمکلا)، راهبردهای کارآفرینی کشاورزی، ۷(۴)، ۳۸-۳۰.
- موحدی، ر.، و سلیمانیان‌بروجنی، ج. (۱۳۹۶). بررسی شیوه‌های آموزشی موثر در توسعه کارآفرینی زنان روستایی، نشریه راهبردهای کارآفرینی در کشاورزی، ۳(۶)، ۳۳-۲۴.
- میرکمالی، س.، و باقری‌خلیلی، ز. (۱۳۸۴). ارزیابی توانمندی شغلی دانش‌آموختگان رشته‌های فنی-حرفه‌ای (شاغل در شرکت ایران خودرو از دیدگاه مدیران واحدهای تولیدی، فصلنامه نوآوری آموزشی، سال چهارم، شماره ۱۳، ۸۵-۱۱.
- نجفی، ب.، و صفا، ل. (۱۳۹۳). بررسی کسب‌وکارهای خانگی کارآفرینانه و موانع و چالش‌های توسعه آنها در مناطق روستایی، نشریه کارآفرینی در کشاورزی، ۱(۲)، ۶۱-۷۳.
- یاسوری، م.، و نوروزی‌نژاد، م. (۱۴۰۰). فرا تحلیل کیفی ابعاد توسعه کارآفرینی زنان روستایی، نشریه زن در توسعه و سیاست، ۱۹(۱)، ۴۱-۲۱.
- یزدخواستی، ب.، و وکیل، ا. (۱۳۸۶). بررسی وضعیت فعالیت و اشتغال زنان در ایران با تاکید بر سرشماری سال ۱۳۸۵، مطالعات زنان، ۱(۳).
- یعقوبی‌فرانی، ا.، سلیمانی، ع.، و موحدی، ر. (۱۳۹۳). تحلیل عوامل موثر بر کارآفرینی زنان روستایی، نشریه مطالعات اجتماعی-روانشناختی زنان، ۱۲(۴)، ۴۲-۷.

Chaganti, R., and Greene, P. G. (2002). Who are ethnic entrepreneurs? A study of entrepreneurs; ethnic involvement and business characteristics. Journal of small business management, 40(2), 126-143.

Kuratko, D. F. ., and Hodgetts Richard, M. (2001). Entrepreneurship: Theory process and practice.

